

# هزاران نفر از جوانان در مشهد علیه جمهوری اسلامی شعار دادند!

را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک نظامی سیاسی آزاد، مرفه و برابر، یک جمهوری سوسیالیستی، فرامیخواند. کلیه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات اخیر باید سریعاً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

در مشهد و چند روز قبل در تهران گوشه ای از موج اوجگیرنده مبارزه برای خلاصی از کل رژیم اسلامی است. هراجماعی و به هر بهانه ای تشکیل شود بلافاصله به اعتراض علیه کل رژیم کثیف اسلامی تبدیل میشود. جمهوری اسلامی راه فراری ندارد. حزب کمونیست کارگری ایران، کارگران و مردم آزادیخواه

اثر ندارد" از جمله شعارهای تظاهرات کنندگان بود. بعد از اینکه گله انصار حزب الله به مردم حمله کردند، تظاهرات کنندگان به آنها حمله کرده و تعدادی از آنها را شدیداً کتک زدند و فراری دادند. بدنال این درگیری صدها نفر از افراد سپاه پاسداران در محل حاضر شده و تعدادی را دستگیر کردند. تظاهراتهای دانشجویان و جوانان

هزاران نفر از جوانان در مشهد در اجتماعی که دوشنبه ۱۶ خرداد بمناسبت سفر خاتمی به مشهد برپا شده بود، علیه حکومت اسلامی شعار دادند و انصار حزب الله را کتک زدند و تار و مار کردند. "زنده یاد آزادی"، "مرگ پر استبداد"، "درد بر ضدولایت فقیه" و "تانک، توپ، بسیجی دیگر

# اعتصاب دوازده ۴۰۰۰ کارگر شرکت سایبر

دستگاه سرکوب و جاسوسی و گله آخوند میشود اما سهم کارگر بیحقوقی، عدم تامین حداقل زندگی، بیکاری میلیونی بدون بیمه بیکاری، نداشتن آینده و فقدان هرگونه آزادی است. طبقه کارگر برای رهایی خود و کل جامعه از این کابوس راهی جز برافراشتن پرچم آزادی و برابری، پرچم سوسیالیسم ندارد.

دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت کند و به سایر خواستههای آنها نیز رسیدگی کند. با این عقب نشینی مدیر عامل، کارگران به اعتصاب خود پایان دادند. لازم به یادآوری است که دستمزد صدها هزار کارگر در طول یکی دو سال گذشته پرداخت نشده و این شرایط غیر قابل توصیفی را برای خانواده های کارگری بوجود آورده است. این در شرایطی است که هر ماهه صدها میلیون دلار صرف دم و

واقع در جاده ایذه - شهرکرد اجتماع کرده و تا جواب روشن از جانب مدیر عامل شرکت و سرپرست کارگاه هیچکس را به داخل کارگاه راه ندهند. مدیر عامل از پیمانکار ترانسپورت خواست تا کارگران را با سرویس سر کار نیاورد، اما عده ای از کارگران شیفت صبح با ماشین کرایه خود را به کارگاه رساندند و جلو در اصلی اجتماع کردند. مدیر عامل که بدلیل اتحاد و یکپارچگی کارگران، نقشه اش بهم ریخته بود، در اجتماع کارگران حضور یافت و وعده داد که

۴۰۰۰ کارگر شرکت سایبر در کارگاه سد کارون شماره ۳ در ۴۰ کیلومتری جاده ایذه - شهر کرد بدنال تعویق در پرداخت دستمزدهای فروردین و اردیبهشت ماه ۷۹ و عدم پرداخت هزینه های مرخصی، صبح روز دوشنبه ۱۶ خرداد (۵ ژوئن) دست به اعتصاب زده و کلیه فعالیتهای کارگاه را متوقف کردند. بدنال تهدید مدیر عامل شرکت مبنی بر تعطیل کارگاه، کارگران قرار گذاشتند تا روز سه شنبه ۱۷ خرداد جلو درب کارگاه

# "آغاز خوش مجلس"!

مصطفی صابر



ترین تبعیضات بوده و یا کسی که حتی اجازه معاشرت با هم سن سالهای خود را نداشته یکبار دیگر اثبات کرد که وقت و فرصت را نباید از دست داد. برای بدست آوردن حتی ابتدایی ترین حقوق انسانی باید هرچه زودتر به کل حیات رژیم اسلامی و با همه دار و دسته ها و دادگاه و مسجد و سپاه و ارتش و مجلسش پایان داد.

برای حفظ خود، گاه خاتمی باید به جلوی صحنه بیاید و مثل روزهای ۱۸ تیر نعره میزنیم و میکشیم سر بدهد، گاه خامنه ای باید زبان چاپلوسی دراز کند و از "اصلاحات" سخن بگوید، گاه رفسنجانی با وجود تمام تقلای جناح راست باید به دست خود و با افتضاح مهر باطل شد بر پیشانی خود بکوبد و گاه کروی دوخردادی بر مسند او بنشینند و در اولین سخنرانش بعنوان رئیس مجلس خطبه های کهنه او را تکرار کند. تا کی این ماجرا ادامه خواهد داشت؟ "آغاز خوش" مجلس و کزکی خواندن جناح راست و جبونی دوخرداد، برای کسی که ماهها و در همین دولت خاتمی دستمزد نگرفته و یا بعنوان جنس مونث مورد بی شرمانه

کند، آنهمه قیل و قال رسانه های غرب و اپوزیسیون دوخرداد در مورد "دمکراسی اسلامی" و "انتخابات نسبتاً عادلانه" مجلس اسلامی را بخواند، تقلبات عیان و آمدن رفتن هایی رفسنجانی را دنبال کند و در آخر سر برآوردن یک عمامه بسر ۲۴ عیار را در راس مجلس ببیند، نمی تواند به ماهیت مضحک و کمیک این موجود و هواداران و تحسین کنندگان آن از ته دل نخندد. اما اگر این کمندی مبتذل در راس جامعه ایران در حال اجراست فقط به دلیل اینست که در بطن جامعه جنگی عظیم، جلی و واقعی جریان دارد. جنگ جامعه تشنه آزادی و رهایی با کل جمهوری اسلامی. نه جناح راست و نه دوخرداد اختیارشان دست خودشان نیست. بنا به منفعت رژیم اسلامی

این عبارت از سرمقاله کیهان، یک روز بعد از "رای بالای کروی" در انتخاب ریاست مجلس است. کیهان همچنین نوشت که "محافظه کاران و مقامات بالای نظام" به کروی اعتماد کامل دارند و اظهار امیدواری کرد با اینهمه "پیروان امام در هیات رئیسه مجلس ششم" اقدامات بعدی مجلس نیز بر وفق مراد جناح راست پیش برود. از آنسو دوخردادی ها در اولین روزهای مجلس نمایش کاملی از جبونی و گیجی به صحنه آوردند. گفتند که خودشان عامدانه و برای احتراز از "رقابتهای پیش از موعد" اصلاً وارد "مبارزه" جدی بر سر انتخاب هیات رئیسه موقت مجلس نشدند! گویا، اگر از مصرف زیاد تشری احتراز کنند، قرار است که "بعدا" بر سر انتخاب هیات رئیسه دائم مجلس خودی نشان دهند. اگر مورخی بعدها سرنوشت این موجود عجیب یعنی مجلس اسلامی ششم را تحقیق

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## نکاتی درباره سازماندهی حزبی در ایران

### گفتگو با گورش مدرسی

مطلب زیر متن تلخیص شده گفتگوی رادیو انترناسیونال با گورش مدرسی دبیر کمیته داخل حزب کمونیست کارگری است

سوال: سازمان حزب کمونیست کارگری در ایران به چه شکل است؟ چه ساختار و واحدهای سازمانی ای ایجاد میکنید و اعضاء در چه ارتباطی با هم قرار میگیرند؟

گورش مدرسی: در شرایط غیر پلیسی و غیر استبدادی، نظیر شرایط در اروپا که احزاب کمونیستی قانونی اند و میتوانند علنی فعالیت کنند، اعضای حزب در حوزهها، خانههای حزب و سایر اشکال دیگر سازمانی علنی جمع میشوند و فعالیت میکنند. در این شکل سازمانی سازمانها و تشکل های احزاب لایه لایه روی هم قرار دارند. مثلا حوزه حزبی، کمیته کارخانه، کمیته شهر، کمیته کشوری، کمیته خارج کشور و غیره. که به آن سازمان هرمی میگویند. هر واحد یا تشکل حزبی به لحاظ سازمانی زیر نظر کمیته مافوق خود فعالیت میکند و از طریق این کمیته به حزب وصل میشود. اما در تناسب قوای فعلی، این شکل سازمانیابی هرمی را در ایران نمیتوان پیاده کرد. فعالیت تشکیلاتی ما در ایران لاجرم فعلا اساسا بر متن روابط طبیعی شبکه محافل کمونیستی انجام میگیرد. انسانها وقتی میخواهند در محیط اجتماعی اطرافشان دخالت کنند، وقتی میخواهند با چیزی در بیفتند و یا حتی اگر بخواهند تفریح یا ورزش کنند، با کسان دیگری که در محیط اطرافشان بطور طبیعی وجود دارند جمع میشوند و این فعالیت را با هم انجام میدهند. حزب کمونیست کارگری فعالیت سازمانی را بر متن همین روابط پیش میرود. ما کسانی را که با اهداف و سیاست های حزب موافق هستند تشویق میکنیم تا فعالیتشان را در همین متن انجام دهند. به این محافل، شبکه ها و روابط در سطوح مختلف خصلت آگاهانه تری بدهند، سعی کنند که اینها را به شبکه کمونیستی و حزبی تبدیل کنند، این شبکه ها را بعنوان اهرم دخالت در فضای سیاسی و مبارزاتی بکار گیرند و فعالیت های حزبی

را در این متن انجام دهند. در مورد ارتباط این شبکه ها با حزب یعنی در مورد شکل سازمانی حزب در داخل کشور ما فعلا سیاست سازماندهی منفصل را پیش میبریم. بدین معنی که محافل طرفدار حزب در داخل کشور مستقیما به مرکز حزب در خارج کشور وصل میشوند. البته روشن است که با عوض شدن شرایط و تغییر تناسب قوا ما هم باید شکل هرمی را در پیش بگیریم. اما در شرایط فعلی همانطور که گفتم هر واحد یا جمع حزبی یا دوستدار حزب مستقیما به کمیته داخل وصل میشود. به این دلیل که در این سیستم اشتباه و یا ضربه در یک شبکه به دیگر واحدهای تشکیلات سرایت نمیکند و همچنین اطلاعات مربوط به فعالین حزب در یک جا جمع نیست. حزب در ایران کسی را برای سازماندهی سراغ کسی نمیفرستد. کسی را به کسی وصل نمیکند. حزب در ایران نمایندهای برای تماس با کسی نمیفرستد که بگوید من با حزب هستم و آمدهام شما را سازمان بدهم و یا بگوید من واحد دیگری هستم که آمدهام با شما تماس بگیرم تا با هم کار کنیم و غیره. هر واحد و جمعی برای خودش کار میکند و مستقیما به کمیته داخل وصل است. البته شبکه محافل کمونیستی گسترش پیدا میکنند و در متن فعالیتشان به شبکههای دیگر برخواهند خورد که هم طبیعی است و هم لازم. نحوه ارتباط شبکه ها با حزب در شرایط فعلی ارتباط از طریق خارج کشور است. این جمع ها باید یا کسی از خودشان را به خارج کشور بفرستند تا با حزب تماس بگیرند. کافی است به یکی از تلفن های حزب زنگ بزنند و بخواهند ارتباطشان با کمیته داخل وصل شود. یا میتوانند این کار را از طریق دوستان و نزدیکان معتمشان در خارج کشور انجام دهند. اینکه گفتم ما جمع ها را بهم وصل نمیکیم بمعنی فعالیت صرفا فردی نیست. یعنی هرکس خودش تنهایی فعالیت کند و با حزب تماس بگیرد. گرچه این نوع فعالیت هم میتواند انجام شود اما ما تشویق میکنیم که افرادی که همدیگر را میشناسند، با هم هم نظر

که تعداد زیادی از شنوندگان از ما کردهاند این است که یک عضو حزب در ایران چکار میکند و چگونه میتواند به ادبیات و نوشتههای حزب دسترسی پیدا کند؟

گورش مدرسی: قبل از اینکه بگویم عضو حزب چکار میکند، اجازه بدهید در مورد نحوه دسترسی به ادبیات حزب صحبت کنم. ادبیات حزب را بشیوههای مختلفی میتوان به دست آورد. ما ادبیات حزب را در داخل ایران پخش میکنیم و خیلی از اسناد ما در محافل کارگری و سیاسی مختلف میچرخد. بسیاری از دوستان و اعضای حزب میتوانند از کانالهای طبیعی و از طریق محافلی که قبلا این نوشته ها را گرفته اند به این ادبیات دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این امکانات دیگری هم هست. یکی از اینها صفحات اینترنت حزب است. بخش زیادی از ادبیات حزب روی این صفحات وجود دارد و قابل دسترس است. علاوه بر این ما بخش زیادی از نوشتهها و ادبیات حزب را روی یک سی دی بنام روزنه گذاشتهایم که در ایران و خارج کشور قابل دسترس است. راه دیگر تامین این ادبیات از طریق خارج کشور است. دسترسی به این ادبیات از طریق دوستان و آشنایان در خارج کشور است. نشریات، کتب، جزوات و سایر انتشارات حزب از طریق میز کتاب های حزب در کشورهای مختلف و تعدادی از کتاب فروشی ها و یا از طریق دوستداران، اعضا و فعالین حزب در خارج کشور قابل دسترسی است. بعلاوه توجه کنید که هر جمع سیاسی در ایران اگر با ما در خارج تماس بگیرد با توجه به ویژگی های امنیتی و ارتباطاتی در هر مورد مشخص ترتیبی خواهیم داد که ادبیات حزبی بدستشان برسد.

سوال: عضویت در حزب به چه صورت است؟ آیا حزب در ایران ارگانی برای عضو گیری و پذیرش و اعلام عضویت علاقمندان سازمان داده است؟

گورش مدرسی: نحوه اعلام عضویت در داخل کشور هم به مساله امنیت گره میخورد. در شرایط اختناق یا شرایطی که هنوز پلیس قدرت سرکوب و قلع و قمع دارد، وقتی به کسی رسما ابلاغ کنید که عضو حزب است ممکن است بلحاظ امنیتی مشکل آفرین باشد. در نتیجه سیاستی که ما داریم این است که در ایران هرکس که خودش را در اهداف حزب شریک بداند و بخواهد با حزب فعالیت کند و فعالیت، هرفعالیتی، در این رابطه بکند ما این فرد را عضو حزب میدانیم، خودش میتواند خودش را عضو حزب بداند. ما این عضویت را بدلائل امنیتی ابلاغ نمیکیم. اما با باز شدن شرایط همه این رفا بعنوان اعضای باسابقه حزب رسمیت خواهند یافت.

سوال: یکی دیگر از سوالاتی

مشکلات زندگی بر دوشان سنگینی نمیکند. معاش و زندگی خانوادهای را نباید تامین کنند، مجبور به کار نیستند، زندگی اجتماعی خاصی را مجبور نیستند به پیش ببرند و غیره. حزب ما این تصویر را از عضو ندارد. هر انسانی که خودش را در عقاید و آرمانهای حزب شریک بداند و بخواهد به هر درجهای و به هر نوعی به گسترش این آرمانها و عقاید در حدی که خودش تشخیص میدهد کمک کند میتواند عضو حزب باشد. در نتیجه هرکس میتواند در این چهارچوب عضو حزب شود.

حزب ما در ایران کارهای زیادی دارد. ما میخواهیم سیاست و آرمان حزب به سیاست و آرمان مردم هرچه بیشتری تبدیل شود. میخواهیم نظرات عقب مانده را با نظرات پیشرو و کمونیستی جایگزین کنیم. میخواهیم شعارها، مطالبات و تاکتیک های حزب به پرچم تعداد هرچه بیشتری از مبارزات مردم و بویژه طبقه کارگر تبدیل شود. میخواهیم اسلام را عقب بزنیم. عقاید و نظرات تبعیض آلود نسبت به زنان، جوانان، ملیتها و نژادهای مختلف را کنار بزنیم و معیار های انسانی را جایگزین آن کنیم و یک جامعه آزاد، شاد، برابر و مدرن و انسانی را سازمان بدهیم. برای عملی کردن این آرمان دنیائی از کار هست. هرکس و هر جمعی میتواند در محیط اطرافش به نسبت توان خود در این راه کار کند. کار در جنبش کارگری، کار در جنبش زنان، در میان جوانان، دانش آموزان و دانشجویان، جنبش روشنفکری و روشنگری و غیره و غیره. ما میخواهیم رهبران این جنبش ها و حرکات هرچه بیشتر خود را متعلق به آرمان و هدف حزب بدانند و در رابطه با آن کار کنند. میخواهیم شعارها و آرمانهای حزب را به مردم هرچه بیشتری بشناسانیم. هرگوشهای از این کار ارزشمند است. فعالیت در کارخانه و در جنبش کارگری، در جنبش زنان، جوانان، در جنبش سیاسی عمومی و در میان روشنفکران، بهر شکلی از شعار نویسی و اعلامیه نویسی، تبلیغ رادیو و حزب، بازتکثیر و توزیع ادبیات حزب، انتشار نشریات علنی و مخفی، ایجاد کانونها، کلوب ها و انجمن ها و غیره تا ایجاد شبکه های رهبری این حرکات و جنبش های مختلف یا جلب رهبران و فعالین فعلا موجود آنها. این فعالیت کسی که چیزی را باز تکثیر و پخش میکند تا فعالیت

## گفتگوی نشریه نيمروز با آذر ماجدی

در مورد کنفرانس دوم مدوسا، واقعه برلین و موضوعات ديگر



شود. قرار بود از طريق اين کنفرانس در افکار عمومی برای جمهوری اسلامی آبرو خريده شود. ما به اين مساله هم اعتراض داشتيم.

ما در مقابل اين کنفرانس پيکت و افشاگری کرديم و در درون سالن کنفرانس هم اعتراض خود را اعلام کرديم. و اين حق طبيعي ماست. اصلا آزادی بيان به همين معناست. در تمام کشورهایی که از آزادی خبری هست و زیر اختناق و سرکوب مستقيم و رسمی قرار ندارند، مردم و سازمانها به همين ترتيب اعتراض خود را نشان ميدهند. اعتراضشان را فرضا به آزادی پينوشه، يا به حضور جريانات راست و ارتجاعی.

از اتحاديه های کارگری گرفته تا سازمانهای سياسي و سازمان های دفاع از محيط زيست و غيره شيوه های مشابه ای را برای ابراز اعتراض شان اتخاذ ميکنند. ولی مساله اينجاست که اين اعتراض آنچهان وسيع بود، آنچهان با استقبال مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی مواجه شد، که برگزار کنندگان نتوانستند به کارشان ادامه دهند.

ما هيچ اعتراضی به سخنرانی مهرانگيز کار، شهلا لاهيجی و بسياری ديگر از سخنرانان در اين کنفرانس نداشتيم. و یک دليل روشن اين مساله هم اينست که ما خودمان از اين دو خانم برای کنفرانسی که خودمان سازمانده آن هستيم دعوت کرده ايم. خانم مهرانگيز کار را ما پارسال هم دعوت کرده بوديم. بسياری از سخنرانان شرکت کننده در کنفرانس برلين بارها به خارج آمده اند و سخنرانی کرده اند، دوستان ما در اين سخنرانی ها شرکت کرده اند و نظرها را ابراز کرده اند، ولی هيچگاه به سخنرانی آنها اعتراض نکرده اند. ما در فعاليت سياسي مان از یک اصل پيروي ميکنيم:

با جمهوری اسلامی نبرد ميکنيم، با مخالفان جدل. و در تمام دوران فعاليتمان هم از اين اصل پيروي کرده ايم. در نتيجه هيچگونه دوگانگی ای در رفتار ما وجود ندارد. سياست ما روشن و پيگير است.

سازمان داده بود. چه در بيروت کنفرانس و چه در درون آن فعالين و دوستداران حزب اعتراض خود را به حضور برخی از سخنرانان کنفرانس و به هدف تشکيل اين کنفرانس ابراز کردند.

اعتراض ما به شرکت برخی از مقامات جمهوری اسلامی در اين کنفرانس بود. به کسانی که در جنايات اين رژيم نقش مستقيم داشتند و در برپايی سازمان های مخوف سرکوب و اختناق اين حکومت جنایتکار و ارتجاعی نقش تعيين کننده داشتند، از جمله گنجی و جلائی پور. اين دو تن از مقامات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در زمان سرکوب های خونين ده ساله اول اين حکومت بوده اند. دست اينها به خون بسياری آلوده است. اينها شاکي خصوصي دارند و بايد به محاکمه کشيده شوند. یک قلم از جنايات جلائی پور نقش او در اعدام ۵۹ نفر در مهاباد است، که او درست قبل از شرکت در کنفرانس برلين در روزنامه عصر آزادگان با وقاحت تمام از اين جنايت خود دفاع کرد. چنين افرادی و تمام مقامات رژيم جمهوری اسلامی که برای ايراد سخنرانی به خارج بيایند با پيکت اعتراضی حزب ما روبرو خواهند شد.

اين کنفرانس توسط بنياد هانريش بل و با دخالت کامل دولت آلمان و سفارت جمهوری اسلامی برای بهبود روابط دولت آلمان و جمهوری اسلامی، بدنبال سفر وزير امور خارجه آلمان به ايران سازمان داده شده بود. قرار بود که روابط ايران و آلمان که بعد از ماجرای ميکونوس تيره شده بود باين ترتيب رسماً دوستانه شود و مقدمات سفر خاتمی به آلمان فراهم

دادند که در کنفرانس شرکت نميکنند. البته مطلعيد که آنها هنوز در بازداشت بسر ميبرند. لازم است همينجا اعلام کنم که ما بازداشت مهرانگيز کار و شهلا لاهيجی را شديداً محکوم ميکنيم و برای آزادی آنها و تمام زندانيان سياسي جمهوری اسلامی تلاش خواهيم کرد. اميدواريم که آنها بتوانند در کنفرانس های آتی مدوسا شرکت کنند.

نيمروز: ولی چگونه است که شما بعنوان برگزار کننده اين کنفرانس از خانم مهرانگيز کار (وکيل دادگستری، مدافع حقوق زنان و نويسنده) و خانم شهلا لاهيجی (مدیر انتشارات روشنگران) که اکنون بعلت شرکت در کنفرانس برلين که توسط حزب کمونيست کارگری بهم زده شد، در زندان رژيم ملاها هستند، دعوت ميفرمائيد که در کنفرانس مدوسا سخنرانی نمايند، ولی بعنوان اعضای حزب کمونيست کارگری درکنفرانس برلين يا تظاهرات خود مانع سخنرانی آنها ميشويد، اين دوگانگی را در رفتار خود چگونه تبیین ميفرمائيد؟

آذر ماجدی- بله. ما از خانم ها مهرانگيز کار و شهلا لاهيجی دعوت کرده ايم. اين خانم ها قرار بود که در کنفرانس مدوسا شرکت کنند ولی متاسفانه، مدت کوتاهی پيش از بازداشتشان بما اطلاع ميتواند مبنای بحث و تبادل نظر باشد. علاوه بر انترناسیونال هفتگی متون اساسی ديگری وجود دارند که بايد در تعداد هرچه وسيعتری تکثير و توزيع شوند برنامه حزب، جلدهای چاپ شده مجموعه آثار منصور حکمت (يا مقالات مختلف آنها)، اطلاعاتیهای مختلف حزب، نشریات ديگر حزب مثل کارگر کمونيست، انترناسیونال، اسکرا. یک کار مهم ديگر تبليغ راديو انترناسیونال از طريق شفاهی يا تراکت و اتیکت های کوچک است. خلاصه اينکه عضويت در حزب کمونيست کارگری ايران ساده است. هر کس و يا هر جمعی که خود را درعقاید و آرمانهای حزب شريک بدانند و بخواهد در هر سطحی که ميتواند با حزب فعاليت کند، ميتواند خود را عضو حزب بدانند.

است. بايد بشدت با اين فرهنگ مبارزه شود. آزادی و برابری زنان در ايران در گرو اين مبارزه است. اما هيچگاه شرايط برای پيشبرد اين مبارزه در ايران باندازه امروز فراهم نبوده است. اکنون در ايران ما شاهد رشد ضديت با اين فرهنگ پوسيده و عقب مانده بخصوص در ميان جوانان هستيم. هيچگاه جنبش عليه مذهب و برای سکولاريسم اين چنين در ايران توده ای و وسيع نبوده است. اما یک مانع اصلی و مهم در مقابل پيشبرد موثر مبارزه با اين فرهنگ مردسالار و عقب مانده وجود جمهوری اسلامی است. پيشبرد اين مبارزه در نتيجه پيش از هر چيز مستلزم سرنگونی جمهوری اسلامی است. حاکميت یک فرهنگ پيشرو تنها در صورت وجود یک شرايط آزاد سياسي و اجتماعی امکان پذير است.

نيمروز: آيا از شخصيت های ادبی، فرهنگی، اجتماعی و سياسی داخل هم برای شرکت در کنفرانس دوم مدوسا دعوت بعمل آمده است؟

آذر ماجدی- بله. ما از خانم ها مهرانگيز کار و شهلا لاهيجی دعوت کرده ايم. اين خانم ها قرار بود که در کنفرانس مدوسا شرکت کنند ولی متاسفانه، مدت کوتاهی پيش از بازداشتشان بما اطلاع

ميتواند مبنای بحث و تبادل نظر باشد. علاوه بر انترناسیونال هفتگی متون اساسی ديگری وجود دارند که بايد در تعداد هرچه وسيعتری تکثير و توزيع شوند برنامه حزب، جلدهای چاپ شده مجموعه آثار منصور حکمت (يا مقالات مختلف آنها)، اطلاعاتیهای مختلف حزب، نشریات ديگر حزب مثل کارگر کمونيست، انترناسیونال، اسکرا. یک کار مهم ديگر تبليغ راديو انترناسیونال از طريق شفاهی يا تراکت و اتیکت های کوچک است. خلاصه اينکه عضويت در حزب کمونيست کارگری ايران ساده است. هر کس و يا هر جمعی که خود را درعقاید و آرمانهای حزب شريک بدانند و بخواهد در هر سطحی که ميتواند با حزب فعاليت کند، ميتواند خود را عضو حزب بدانند.

بخشهایی از مصاحبه هفته نامه نيمروز با آذر ماجدی. متن کامل اين مصاحبه در نيمروز شماره ۵۸۷ و همينطور در سايت انترناسیونال هفتگی آمده است.

نيمروز: ممکن است نظر خودتان را در مورد مقابله با "فرهنگ، سنن و ارزشهای مردسالارانه و زن ستيز در ايران" که قرار است در کنفرانس به بحث گذاشته شود، بيان فرمائيد.

آذر ماجدی: فرهنگ حاکم در ايران فرهنگی شديداً مردسالار و زن ستيز است. اين فرهنگ توسط رژيم حاکم بر کشور، پاسداری و تحکيم ميشود. هيچگاه در تاريخ ايران با اين فرهنگ مبارزه ای جدی نشده است. حتی صريحا توسط اغلب باصطلاح روشنفکران و ادبای ايران تحت نام مبارزه با غرب زدگی و دفاع از فرهنگ خودی در مقابل فرهنگ بيگانه يا غربی يا امپرياليستی از آن دفاع نيز شده است. آزادی زن هميشه با هزار شرط و شروط از جانب اينها مورد مقاومت قرار گرفته است. همين که تا از آزادی زنان صحبت ميشود، بلافاصله عده ای مبصر ميشوند و اعلام ميکنند که اما آزادی با بی بند و باری نبايد اشتباه گرفته شود، خود دليل روشنی بر حاکميت اين فرهنگ مردسالار و قيم ماب

گفتگو با گورش مدرسی

کسی که ميکوشد فضای محله، کارخانه، مدرسه، اداره و غيره را بدست بگيرند از کسی که عقايد عقب مانده را در هر محيطی عقب ميزند تا کسی که رهبر مبارزای ميشود را در بر ميگيرد. عضو حزب ميتواند هر گوشه ای از اين کارها را که خودش تشخيص ميدهد از در توان اوست بگيرد. اما شايد مهمترين قلم در اين ميان يا شايد بهتر است بگويم پايمای ترين کار تکثير و توزيع ادبيات حزب است. گرفتن نشریه انترناسیونال هفتگی از روی اينترنت و تکثير و توزيع آن در هر مقداری که امکانات مالی و ملزومات امنيتی اجازه ميدهد یک رکن مهم فعاليت حزب است. ميتوان اين نشریه را در ابعاد مقدور تکثير کرد و به آدرسهای مختلف در ايران پست کرد. مطالب اين نشریه

به انترناسیونال هفتگی  
کمک مالی کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسيالیستی!

# دومین کنفرانس مدوسا برگزار شد

دومین کنفرانس مدوسا، نشریه کانون زن و سوسیالیسم، تحت عنوان "زن خوب فرمانبر پارسا" در تاریخ دو تا چهار ژوئن، برابر با ۱۳ تا ۱۵ خرداد ۱۳۷۹ در شهر کلن آلمان برگزار شد.

سخنرانان این کنفرانس، بهرام چوبینه، پروانه حمیدی، هما سرشار، ثریا شهابی، آذر ماجدی و مریم نمازی، فرهنگ مردسالار و ابعاد سیاسی - اجتماعی آن، اسلام، یهودیت و مذهب بطور عموم، سنت و فرهنگ ملی ایرانی، اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی و نقش مغرب و ارتجاعی آن بر زندگی زنان را از دیدگاههای مختلف تجزیه و تحلیل کردند. سخنرانان بر این نکته تاکید داشتند که هر نوع بهبود جدی در وضعیت زنان منوط به سرنگونی جمهوری اسلامی است.

کنفرانس در فضائی گرم و صمیمانه و با شرکت علاقمندان بسیاری که از کشورهای مختلف به کلن آمده بودند برگزار شد. تنوع و غنای بحثهای کنفرانس، شرکت وسیع و فعال شرکت کنندگان در مباحث مطرح شده، دومین کنفرانس مدوسا را به یک تریبون جدی و باز برای همه در نقد فرهنگ مردسالاری تبدیل کرد. کنفرانس به اتفاق آرا قطعنامه

ای را در محکومیت دستگیری مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی، از فعالین جنبش زنان و مدعوین کنفرانس، توسط جمهوری اسلامی صادر کرد و خواستار آزادی فوری این دو تن و همه زندانیان سیاسی شد. (این قطعنامه در همین صفحه آمده است)

روال جلسات کنفرانس به این ترتیب بود:

کنفرانس با سخنرانی آذر ماجدی، سردبیر مدوسا، افتتاح شد. اولین سخنران کنفرانس ثریا شهابی بود که تحت عنوان "مردسالاری و عطش جامعه برای مساوات در ایران" فرهنگ سنتی در ایران و علل بقا آن را مورد نقد و بررسی قرار داد.

سخنران دوم پروانه حمیدی تحت عنوان "کنترل جنسیت زنان" کنترل جامعه مرد سالار بر جنسیت زنان را تجزیه و تحلیل کرد.

اولین سخنران روز دوم هما سرشار بود. عنوان این سخنرانی "استر یا دشتی پرسش این است" بود که یکی از اسطوره های معروف مذهب یهود است. هما سرشار تحت این تیتر موقعیت فرودست زن در مذهب یهود را موشکافی و نقد کرد.

سخنران بعدی روز دوم، آذر

ماجدی بود که در سخنرانی خود، تحت عنوان "زمینه های عینی و ذهنی دوام و بقاء مرد سالاری در ایران" فرهنگ حاکم و نقش دیکتاتوری های حاکم در ایران، بویژه جمهوری اسلامی را در بقا: این فرهنگ مورد نقد و بررسی قرار داد.

روز دوم کارگاهی در مورد "زنان و قوانین و شرایط پناهندگی" توسط مریم نمازی برگزار شد. در این روز علاوه، فیلم "بخاطر همه چیز" به کارگردانی رجب محمدین با معرفی بصیر نصیبی به نمایش گذاشته شد.

اولین سخنران روز سوم کنفرانس، مریم نمازی، تحت عنوان "مردسالاری و اسلام سیاسی" به نقش اسلام سیاسی در تحکیم فرهنگ مردسالار اشاره کرد و با توجه به تجربه خود در کار با پناهندگان جلوه هایی از این فرهنگ مردسالار را شکافت.

بهرام چوبینه دومین سخنران روز سوم، تحت عنوان "تاریخ بیداری در ایران نمود هایی از مبارزه با مردسالاری در تاریخ ایران را مورد بررسی قرار داد.

در این روز ثریا شهابی، رئیس نهاد "اول کودکان"، کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان، این

کمپین را معرفی کرد و برنامه های آن را به اطلاع حضار رساند. برنامه های رسمی کنفرانس روز سوم، با سخنرانی اختتامیه آذر ماجدی به پایان رسید پس از برنامه های رسمی کنفرانس، هادی خرسندی

نمایشی را به اجرا درآورد. کنفرانس مدوسا به این ترتیب و پس از قدرانی از برگزار کنندگان و گردانندگان کنفرانس و با فراخوان شرکت همگان در کنفرانس سال آتی، به کار خود پایان داد.

## قطعنامه مصوب کنفرانس دوم مدوسا در محکومیت بازداشت مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی

کنفرانس دوم مدوسا در شرایطی برگزار میشود که دو تن از فعالین دفاع از حقوق زنان و مدعوین این کنفرانس، مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی در زندان های جمهوری اسلامی بسر میبرند. آنها به بهانه شرکت در کنفرانس برلین و ابراز نظراتشان مورد اذیت و آزار دولت اسلامی قرار گرفته اند. آنها بخاطر جنسیتشان، بخاطر زن بودنشان مورد اهانت و بیحرمتی و محرومیت بیشتر واقع شده اند. از سرنوشت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. گزارشات مجامع بین المللی دفاع از حقوق بشر نیز بیانگر اذیت و آزار مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی در زندان توسط دولت جمهوری اسلامی است. بازداشت این فعالین دفاع از حقوق زنان نشانگر عدم تحمل هر گونه ابراز عقیده مخالف توسط جمهوری اسلامی و همچنین خصلت زن ستیز این حکومت است.

- ۱- شرکت کنندگان در کنفرانس دوم مدوسا
  - ۱- دستگیری و بازداشت مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی را شدیداً محکوم میکنند؛
  - ۲- خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها و تمام زندانیان سیاسی هستند؛
  - ۳- از کلیه سازمان ها و افراد آزادیخواه میخواهند که فعالانه برای آزادی آنها بکوشند.
- پیشنهاد دهند: آذر ماجدی  
تاریخ: ۳ ژوئن ۲۰۰۰ برابر با ۱۴ خرداد ۱۳۷۹

روز بروز گسترش مییابد. حزب کمونیست کارگری ایران برای هدایت این مبارزات و سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی فعالیت میکند، به این حزب پیوندید. واحدهای جوانان کمونیست را در محله، دانشگاه، دبیرستان و در هر کلوب و محلی تشکیل دهید و این اعتراضات را دیالکتیک را رهبری کنید.

شما میتوانید مصونیت زندگی خصوصی شهروندان جامعه و تامین کار و زندگی آزادانه و بدور از هر نوع دخالتی را وسیع بر رژیم و نیروهای سرکوبگرش تحمیل کنید و هر نوع دخالت آنها را همچنان با قاطعیت پاسخ دهید. حول این خواستها متحد و متشکل شوید. جنبش مردم ایران برای آزادی و رهایی از حاکمیت جمهوری اسلامی

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب:

### دخالت در زندگی خصوصی مردم موقوف!

روز ۹ خرداد ۱۳۷۹ دو جوان دختر و پسر دانشجو در منزل متعلق به پسر در محله غفور شهر سنندج توسط ماموران انتظامی رژیم دستگیر میشوند. نیروهای سرکوبگر به بهانه اینکه پسر و دختر نباید در یک خانه "خلوت کنند" با زور و توهین آنها را از منزل بیرون می آورند. بهنگام خروج از منزل یکی از مزدوران در کمال وقاحت به مردم حاضر در محل میگوید: "بیانید و به آنها تف کنید" و خودش اول به دختر، در حالی که صورتش را پوشانده بود، تف انداخت. اما مردم و جوانان دختر و پسر به ماموران حملهور شدند. در مدت کمی شمار زیادی جمع شدند و به این سرکوبگری و اقدام زشت جانوران اسلامی اعتراض کردند. مردم با ایجاد راه پندان جلو ماشینهای مزدوران را گرفته و با پاره سنگ به ماموران حملهور

شدند. متعاقباً نیروهای انتظامی بیشتری به محل اعزام شد و سرکوبگران توانستند آن دو جوان را با خود ببرند. دخالت در زندگی و روابط خصوصی عموم مردم و بویژه جوانان یک بعد زشت سرکوبگری اسلام و جمهوری اسلامی در دو دهه اخیر در ایران بوده است. جمهوری اسلامی در این راستا باندهای کانگستری گوناگون سازمان داده است. علیرغم این سرکوبگری، اما مقاومت و مبارزه مردم و جوانان و زنان در برابر دخالت در زندگی خصوصی و پایمال کردن حرمت و کرامت انسانی شان ادامه داشته است. اکنون هر بسیجی و پاسدار و گروه منکراتی که بخواهد در زندگی مردم و بویژه جوانان، زنان دخالت کند، و یا بنا به آیات قرآن و موازین کثیف اسلامی بر نحوه و نوع لباسی که میپوشند، آرایش موی سر، آرایش

کردن، جمع شدن و روابط آزادانه دختر و پسر محدودیت بگذارد با کتک خوردن و مجازات از طرف مردم روبرو میشود. پایپای رشد اعتراضات عمومی مردم و تضعیف رژیم، این بعد از دخالتگری رژیم هم محدود شده است. امروزه اگرچه دخالت مذهب و دولت در زندگی خصوصی مردم بشدت سست شده است، اما خبر اخیر نشان میدهد، که لازمست با مبارزاتی گسترده تر و قدرتمندتر ممنوعیت این دخالتها را عملی و تثبیت و به نیروهای سرکوبگر تحمیل کرد. یک خواست عمومی مردم آزادیخواه و بویژه جوانان اینست که مصونیت زندگی خصوصی افراد در جامعه تضمین شود و به این قلدرها و به حاکمیت جمهوری اسلامی پایان داده شود.

آ. جوانان مبارز!

مقاومت و اعتراضات شما در برابر قوانین سرکوبگرانه و خفقان آور جمهوری اسلامی تا هم اکنون هم رژیم را دچار تنگنا کرده است.

## انترناسیونال هفتگی

**Email:** haftegi@yahoo.com  
**Fax:** 0044-8701207768  
**Address:** BM Box 8927 London WC1N 3XX England  
**Website:** www.haftegi.com  
**Bank Account:** Z.I. Konto: 520 5164 008 BLZ: 10090000 Beliner Volksbank Germany  
**سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت**  
www.iwsolidarity.com  
www.medusa2000.com  
www.marxsociety.com  
www.kvwpiran.org